

Analysis of the Null Curriculum

Mahmood Safari, Nader gholi Ghourchian

¹Ph.D Student in educational management, Oloom Tahghighat Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² Professor, Department educational management, Oloom Tahghighat Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Curriculum design is one of the main parts of the process of teaching and learning in education. In fact, the null curriculum refers to the deleted and ignored parts of a curriculum. In this study, we tried to analyze the null curriculum and identify the factors that led to the null curriculum at schools. The null curriculum occurs in three levels: Some parts of the content of textbooks are deleted or added by policy makers, writers or politicians, due to the mismatch between the needs of students and society. Some parts of the content of the curriculum are neglected by staff and teachers in schools. Finally, some parts of the content of textbooks are omitted by the students that not connected with their real life. The main objective of this research is to provide a theoretical perspective on the three levels of the null curriculum based on governing system in society, schools and students. Finally, we propose some solutions to prevent of null content in the planning or execution of curriculum.

Key words: Curriculum, Null, Null Curriculum

تحلیلی بر برنامه درسی پوچ در محتوای آموزشی

محمود صفری، نادرقلی قورچیان*

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

^۲ استاد گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

طراحی برنامه درسی یکی از بخش‌های اصلی فرآیند تدریس و یادگیری در آموزش و پرورش به شمار می‌رود. برنامه درسی شامل برنامه درسی آشکار، پنهان، پوچ و فوق برنامه است. درواقع، برنامه درسی پوچ به بخش‌های حذف شده و نادیده گرفته شده از یک برنامه درسی اشاره دارد. در این پژوهش تلاش شد تا از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و مرور کتاب‌ها، مقالات و اسناد مرتبط تحلیلی بر برنامه درسی پوچ انجام گیرد و عواملی که موجب پوچ شدن برنامه درسی در طول یک دوره تحصیلی می‌شوند شناسایی شوند. برنامه درسی پوچ در سه سطح رخ می‌دهد: بخشی از محتوای کتاب‌های درسی توسط سیاست‌گذاران، نویسندگان کتاب‌های درسی یا سیاستمداران، به دلیل عدم تناسب آن با نیازهای دانش‌آموزان و جامعه حذف و یا اضافه می‌شوند. بخش‌هایی از محتوای برنامه درسی در مدرسه توسط مسئولان و معلمان مورد کم‌توجهی یا حتی بی‌توجهی قرار می‌گیرند. درنهایت، بخش‌هایی از محتوای برنامه درسی به واسطه دانش‌آموزان که با زندگی واقعی آنها مرتبط نباشد، مورد توجه قرار نمی‌گیرند و جالب این‌که در این سطح هیچ‌گونه یادگیری هم رخ نمی‌دهد. هدف اصلی این پژوهش این است که به ارائه دیدگاه‌های نظری در مورد سه سطح برنامه درسی پوچ مبتنی بر نظام حاکم بر جامعه، مدرسه و دانش‌آموز بپردازد. درنهایت راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنیم تا مانع پوچ شدن محتوا در برنامه‌ریزی و یا اجرای برنامه درسی شویم.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی، پوچ، عقیم

مقدمه

تعاریف گوناگونی برای واژه برنامه درسی ارائه شده است. برنامه درسی ممکن است برابر تمام آموخته‌های برنامه‌ریزی شده در یک مدرسه باشد؛ آموخته‌های برنامه‌ریزی شده می‌تواند اسناد مکتوب بلندی باشد که محتوا، فهرست‌های کوتاه‌تری از نتایج یادگیری قصد شده یا به سادگی ایده‌های کلی معلمان را در مورد آنچه دانش‌آموزان باید بدانند، مشخص می‌کند (Portelli, 1987). دیدگاه سنتی برنامه درسی محتوای یادگیری را مورد توجه قرار می‌دهد؛ یک برنامه درسی به تمام دوره‌های ارائه شده در مدرسه اشاره دارد و نه به یک طرح برای یادگیری به منظور ارتقاء و کمک به فراگیران که دانش، مهارت‌ها و نگرش‌هایشان را انتقال دهد (Sheikhzadeh, 2013).

جهت‌گیری دیگر از برنامه درسی واکنش به یادگیری مبتنی بر محتوای سنتی است که ناکافی در نظر گرفته می‌شود؛ چرا که آن فاقد کلیت آن تجارب یادگیری است که دانش‌آموزان می‌توانند مهارت‌ها و دانش کلی را در انواع سایت‌های یادگیری به دست آورند (Ermenck, 2010). اولیوا برنامه درسی را به عنوان "یک طرح یا برنامه برای تمام تجربیاتی که فراگیر با آن تحت هدایت مدرسه برخورد می‌کند، توصیف می‌کند (Oliva, 1997). برنامه درسی به عنوان یکی از ستون‌های الزامی علوم تربیتی نقش بی‌بدیلی در عملکردهای تربیتی و حتی پا را از قلمرو رسمی بودن بیرون گذاشته، فرایندهای غیررسمی را در بر گرفته است. برای برنامه درسی ظرفیتی در نظر گرفته شده است که کارکردهای چندگانه پیدا کرده و درصدد برآمده تا همه اتفاق‌های آموزشی آشکار و پنهان و شکل عملی شدن انتظارات و مقاصد آموزشی را در خود جای دهد. برنامه درسی به منزله یک فرایند، می‌خواهد مسیری باشد که آغاز و پایان جریان یادگیری و آموزش را به هم پیوند دهد (Adib & Colleagues, 2016)؛ زیرا هدف‌های اصلی برنامه درسی در عصر جهانی‌شدن که باید مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

۱. یادگیری مادام‌العمر و مستمر

۲. برخورداری از انعطاف‌پذیری بیشتر، بازنگری و

اصلاح مداوم در دوره‌های زمانی کوتاه‌تر

۳. توجه به جنبه‌های کاربردی و حل مسئله

۴. برخورداری از تنوع و وسعت بیشتر (Mansouri & colleagues, 2016)

انواع برنامه درسی

در مدارس چهار نوع برنامه درسی ارائه می‌شود:

۱. برنامه درسی رسمی

۲. برنامه درسی پنهان

۳. برنامه درسی فوق برنامه

۴. برنامه درسی پوچ (Null Curriculum)

برنامه درسی رسمی: این نوع برنامه درسی به تمام یادگیری‌هایی اشاره دارد که توسط مدرسه برنامه‌ریزی شده و هدایت می‌شوند که برای رسیدن به اهداف خاص در دانش‌آموزان تلاش می‌کند. پس برنامه درسی مجموعه‌ای از تجارب خواهد بود که کودکان و نوجوانان باید داشته باشند، به طوری که روش‌های متفاوت تدریس و یادگیری و ارزیابی نیازها به کار گرفته می‌شود.

برنامه درسی پنهان: مفاهیم برنامه درسی پنهان از جمله مفاهیم بسیار ارزشمند و راهگشا در تفکر و عمل برنامه‌ریزی درسی است (Mehrmohammadi, 2011).

برنامه درسی پنهان به تدریس متن غیررسمی و غیرملموس نظام ارزش‌ها، هنجارها و طرز برداشت‌ها و جنبه‌های غیرآکادمیک مراکز آموزش عالی و جنبه‌های غیررسمی مراکز آموزش عالی که متأثر از کل نظام تربیتی به فلسفه حاکم، ساخت و بافت کلی جامعه باشد، اطلاق می‌شود (Ghourchian, 2008)؛ به عبارت دیگر برنامه درسی پنهان اجمالاً به مجموعه‌ای از یادگیری‌ها در نظام آموزش عالی اطلاق می‌شود که در بستر فرهنگ حاکم بر محیط آموزشی (دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی) و بدون آگاهی اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان برای دانشجویان حاصل می‌شود. برنامه درسی پنهان برنامه درسی قصد نشده است (یادگیری آنچه که آشکارا

در برنامه درسی تعریف نشده است) ولی دانش‌آموزان آن را از فرهنگ، جو، مقررات و محیط اجتماعی مدرسه یاد می‌گیرند (Fathi, 2002). دانش‌آموزان برخی از پیام‌های ناخواسته را دریافت می‌کنند مانند این‌که "ریاضیات، مهم‌ترین درس است یا موسیقی که حیاتی نیست" چراکه آنها زمان زیادی را صرف ریاضیات می‌کنند، اما در مورد موسیقی کمتر و یا هیچ زمانی را صرف نمی‌کنند (Sheikhzadeh, 2013). برنامه درسی پنهان نیز می‌تواند به انتقال هنجارها، ارزش‌ها و اعتقاداتی برگردد که هم محتوای آموزشی رسمی و هم تعاملات اجتماعی مدارس را منتقل می‌کند (Apple, 1983). از طریق انواع ارتباطات ساکت و آرام، برنامه درسی پنهان بر آنچه رفتارها مناسب هستند، تمرکز دارد که ارزشمند بوده و دیگر قوانین اجتماعی و رفتاری است. دانش‌آموزانی که عزت‌نفس و استقلال خود را بهبود بخشیده و بهتر قادر به هدایت موانع پذیرش اجتماعی می‌باشند (Face, 2011). برنامه درسی پنهان می‌تواند به تعلیم و تربیت منفی یا مثبت منجر شود؛ بسیاری از آموزش‌های مثبت آموزش‌وپرورش را می‌توان در برنامه درسی پنهان گنجانید. اگر روح انصاف در هر یک از دانش‌آموزان مدرسه نفوذ کند، کودکان یاد خواهند گرفت که باانصاف باشند (Rayan, 1993). سیلور و همکاران (Mehrmohammadi, 2002) معتقدند که همه مدارس، مؤسسات و دانشگاه‌ها برنامه درسی پنهان را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهند.

برنامه درسی فوق برنامه: فعالیت فوق برنامه، مجموعه فعالیت‌های سازمان‌یافته و پیش‌بینی‌شده‌ای است که به‌منظور تثبیت، تعمیق، آشنایی و کارکرد عملی در طول سال تحصیلی برای دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود تا به رشد و تعالی و شکوفایی استعدادها و مشارکت در برنامه‌های عملی کمک نماید. هدف فعالیت‌های فوق برنامه فقط کاستن از سختی آموزش رسمی و یا فراهم کردن فرصتی برای استراحت دانش‌آموزان نیست، بلکه این‌گونه فعالیت‌ها جزئی از برنامه منظم مدرسه است که

در توسعه تجربیات تربیتی دانش‌آموزان نقش و اهمیت خاصی را ایفا می‌کند (Akrami, 2009).

فعالیت‌های فوق برنامه درسی هم در عرض و هم در طول برنامه درسی قرار دارد. وقتی فعالیت فوق برنامه در عرض برنامه درسی قرار می‌گیرد، تقریباً اجباری بوده همه دانش‌آموزان ملزم به مشارکت می‌باشند؛ چراکه نیازهای فردی دانش‌آموزان را مورد توجه قرار داده و موجب غنای برنامه درسی می‌شود؛ اما وقتی فعالیت فوق برنامه در طول برنامه درسی قرار می‌گیرد، اجباری نبوده و دانش‌آموزان و خانواده آنها در صورت تمایل می‌توانند در این برنامه‌ها مشارکت داشته باشند.

از آنجا که فعالیت‌های مکمل باید فرصتی را برای تمرین و کسب مهارت در حل مسائل زندگی از طریق کاربست معلومات فراهم کند بنابراین فعالیت‌های مکمل باید دارای دو ویژگی زیر باشند (Akrami, 2009):

۱. دارای ماهیت گروهی باشند.

۲. مسئله محور باشند.

فعالیت‌های فوق برنامه نیز به دلیل این‌که موضوعات متنوع و استعدادهای گوناگون و ویژه تک‌تک افراد را در برمی‌گیرد لزوماً باید متنوع و متعدد باشد، ولی در این زمینه مشکلی بروز نمی‌کند؛ چون هر یک از دانش‌آموزان در انتخاب فوق برنامه یا فوق برنامه‌های مورد نظر آزاد هستند و به‌صورت اختیاری و داوطلبانه در این برنامه‌ها شرکت خواهند کرد. بعلاوه مسئله محوری نیز در این زمینه می‌تواند به محدود کردن تنوع برنامه‌ها کمک کند.

برنامه درسی پوچ: این نوع برنامه درسی، برنامه درسی محذوف است که مهرمحمدی (Mehrmohammadi, 2008) آن را برنامه درسی پوچ، می‌داند، آن مفهومی است که هدف آن جلب توجه متصدیان و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی به تأمل و اندیشه درباره آنچه از دستور نظام آموزشی و از حوزه برنامه درسی صریح (رسمی) حذف می‌شود، است. این مفهوم، کمک قابل توجهی به حفظ ویژگی پویایی در برنامه درسی می‌کند و در صورت

آنها می‌توانند یک وضعیت و یا مشکلات را ببینند (Sheikhzadeh, 2013).

وقتی محققان در این زمینه، منابع اینترنتی و کتاب‌های نوشته شده در زمینه برنامه درسی را مطالعه می‌کردند دریافتند که برنامه درسی پوچ، واقعاً مغفول واقع شده و مورد بی‌مهری زیادی قرار گرفته است و یکی از مشکلات اصلی برنامه‌ریزی درسی در آموزش و پرورش ایران ناشی از عدم توجه به جنبه‌های پوچ برنامه درسی است که اثرات غیر قابل جبرانی بر رشد و پیشرفت فراگیران به‌جا می‌گذارد (Adib & colleagues, 2016)؛ اما اگر این نوع برنامه درسی مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند بسیار مهم و تأثیرگذار باشد؛ بنابراین، می‌توان گفت که ادبیات و پیشینه برنامه درسی پوچ بسیار کم و ضعیف است، ولی به‌رحال آنچه علاوه بر مطالبی که پیش‌تر به آن اشاره شد، در زیر به آن اشاره می‌شود:

شیخزاده (Sheikhzadeh, 2013) برنامه درسی پوچ را متشکل از سه نوع می‌داند:

- قصد شده
- اجرا شده
- تجربه شده

برنامه درسی پوچ قصد شده، اشاره به نوعی از برنامه درسی دارد که در آن سیاست‌گذاران نظام آموزش و پرورش، نویسندگان کتاب‌های درسی، مدیران و سیاستمداران برخی از موضوعات را حذف کرده و یا کنار می‌گذارند و آنچه را که مناسب نیازهای فراگیران نباشد، حذف می‌کنند (همان).

برنامه درسی پوچ اجرا شده، به برخی از بخش‌های کتاب‌های درسی برمی‌گردد که توسط مسئولین مدرسه و یا معلمان به علت عدم علاقه و نیاز در دانش‌آموزان کنار گذاشته شده است (همان).

برنامه درسی پوچ تجربه شده، به برخی از بخش‌های کتاب‌های درسی برمی‌گردد که دانش‌آموزان خودشان به آنها توجه نمی‌کنند؛ چراکه در حیطه علاقه و استعداد آنها قرار ندارند (همان).

توجه بایسته، برنامه‌ریزی درسی را از گرفتار آمدن به دام سنت و عادت می‌رهاند.

برنامه درسی، وقتی پوچ خوانده می‌شود که نظام برنامه‌ریزی درسی برخی از مفاهیم و مسائل را عمداً ارائه یا تدریس نمی‌کند (مثلاً بحث تکامل داروین) یا محتوای ارائه شده در کتاب درسی با سن عقلی شاگردان متناسب نیست، یا مطالبی را که شاگردان می‌خوانند، ولی نمی‌توانند در عمل به کار ببرند (Ghourchian, 2012).

آیزنر (Eisner, 1979) برنامه درسی محذوف را "برنامه درسی پوچ" می‌نامد که اشاره دارد به آنچه که در مدارس خواسته یا ناخواسته تدریس نمی‌شود و این پیام را به دانش‌آموزان می‌رساند که این عناصر در تجارب آموزشی آنها و یا در جامعه مهم نیستند. نکته اصلی برای آیزنر این است که مدارس نه فقط به واسطه آنچه که آنها تدریس نمی‌کنند، بلکه به واسطه آنچه که آنها برای تدریس نادیده می‌گیرند، پیامدهایی را متحمل خواهند شد. آنچه که دانش‌آموزان نمی‌توانند مورد توجه قرار دهند و یا قادر به استفاده از آنها نیستند، پیامدهایی برای زندگی آنها خواهد داشت. از آنجا که از نظر فیزیکی تدریس هر چیزی در مدارس غیرممکن است، بسیاری از این موضوعات باید عمداً از برنامه درسی رسمی کنار گذاشته شود به‌طوری که بخش‌های حذف شده اثر کمتری بر شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان داشته باشد. برخی از جوامع، بخش‌هایی را بر اساس اثراتی که بر شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان دارند، اضافه و یا حذف می‌کنند (Maleki, 2000). آیزنر (Eisner, 1985) معتقد است که "موضوعاتی که در حال حاضر تدریس می‌شوند بخشی از یک سنت هستند و سنت‌ها انتظارات را ایجاد می‌کنند، آنها توانایی پیش‌بینی را به وجود می‌آورند و آنها حفظ ثبات می‌کنند. آیزنر معتقد است که مدارس روش‌های دیداری، شنیداری و استعاره‌ای شناخت را که منجر به داشتن گزینه‌های کمتری برای توجه و جایگزین‌های کمتری می‌شوند نادیده گرفته و یا کمتر اهمیت می‌دهند که دانش‌آموزان می‌توانند بررسی کنند و دیدگاه‌هایی که

محتوای نظام آموزش و پرورش به واسطه تاریخ منطقه‌ای، مدیران یا کنترل دولت و عوامل محیطی تعیین می‌شود (Short, 1982). نگرش برنامه‌نویسان، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان از مهم‌ترین آنها هستند که مورد توجه می‌باشند. نویسندگان کتاب‌های درسی منافع ملی و سیاست‌های حزبی را در نظر می‌گیرند. علاوه بر این، سیاست‌گذاران تلاش می‌کنند برخی از محتوای کتاب‌های درسی را اضافه و یا حذف کنند. بخش خاصی از محتوا در یک دوره زمانی خاص حذف می‌شود. گاهی اوقات، بخش‌های حذف شده متناسب با نیازهای دانش‌آموزان نبوده و ممکن است منجر به شکاف اطلاعاتی در آینده شود (Sheikhzadeh, 2013).

در این مقاله برنامه درسی پوچ در سه سطح تحلیل شده است:

الف) برنامه درسی پوچ مبتنی بر نظام حاکم بر جامعه

ب) برنامه درسی پوچ مبتنی بر مدرسه

ج) برنامه درسی پوچ مبتنی بر دانش‌آموز

برنامه درسی پوچ مبتنی بر نظام حاکم بر جامعه این است که توسط سیاست کلی نظام آموزش و پرورش و منافع و توانایی‌های برنامه‌نویسان و سیاست‌های حزبی غالب تحت تأثیر قرار دارد (Shariatmadari, 2011). این نوع برنامه درسی به صورت عالمانه و آگاهانه رخ می‌دهد؛ چراکه بنا به دلایل متعددی ضروری نمی‌دانند که برخی از مطالب به عنوان برنامه درسی آشکار در کتاب‌های درسی گنجانده شود. به عنوان مثال بحث تکامل انسان در کتاب زیست‌شناسی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و مثال‌های متعددی وجود دارد که در این مقال نمی‌گنجد. ادعا شده است که میان سنگاپور، ژاپن، انگلستان، استرالیا و ایالات متحده یگانه کشوری که استانداردهای واقعی علوم تدریس را دنبال می‌کند، ایالات متحده و کشورهای می‌باشند که برنامه‌های درسی ملی را دنبال می‌کنند. با توجه به مطالعات گذشته، در ایران، محتوای علوم تدریس پس از پیشرفت تغییر نمی‌کند و در زمینه‌های مختلف علوم، پیشرفتی صورت نمی‌گیرد. وضعیت ضعیف

سواد علمی و بی‌میلی فراگیران حاکی از وجود برنامه درسی پوچ در ایران است (Sheikhzadeh, 2013). در این سطح، نویسندگان و مؤلفان کتاب‌های درسی هم به واسطه سلیقه‌ای عمل کردن و یا به دلیل ترس از قضاوت دیگران در مورد شخصیت تخصص علمی آنها بخشی از محتوای کتاب‌های درسی به گونه‌ای می‌نویسند که درخور درک و فهم دانش‌آموزان نیست؛ و در ادامه می‌توان به نکته دیگری در این سطح اشاره کرد، این است که با تغییر در رأس وزارت آموزش و پرورش و یا تغییر در گروه تألیف، محتوای کتاب‌های درسی هم به مراتب مورد دستخوش تغییر قرار می‌گیرد؛ بنابراین، به طور خلاصه عوامل زیر را در این سطح می‌توان به صورت زیر برشمرد:

- کنترل دینی به طور آگاهانه موجب می‌شود که برخی از مطالب در کتاب‌های درسی ارائه نشود.

- نویسندگان و مؤلفان به واسطه ترس از قضاوت دیگران که مبدا شأن و شخصیت علمی آنها ضعیف جلوه کند، برخی از مطالب را ثقیل بیان می‌کنند.

- برخی از نویسندگان و مؤلفان کتاب‌های درسی سلیقه‌ای عمل می‌نمایند.

- با تغییر در وزارت آموزش و پرورش، برخی از مطالب و کتاب‌های درسی دستخوش تغییر می‌شوند.

- نظام حاکم بر جامعه به طور عالمانه برخی از مطالب درسی را حذف و یا اضافه می‌نمایند.

برنامه درسی پوچ مبتنی بر مدرسه، مسئولان و یا معلمان مدرسه برخی از بخش‌های کتاب‌های درسی را که با علائق و نیاز دانش‌آموزان همخوانی ندارد کنار می‌گذارند (Sheikhzadeh, 2013). در این سطح می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

- عدم تخصص لازم در ارائه برخی از مطالب توسط متصدیان تعلیم و تربیت

- ناتوانی معلمان در ارائه و انتقال برخی از مطالب ارائه شده در کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان

- نبود و یا کمبود تجهیزات و فناوری لازم برای ارائه برخی از مطالب به دانش‌آموزان

(Schleyer, 1999) تأیید می‌کنند که دانش‌آموزان با استعدادی که در کلاس‌های ویژه دانش‌آموزان با استعداد شرکت می‌کنند موفقیت بیشتری را نسبت به زمانی که در کلاس‌های عادی (همراه دانش‌آموزان غیرمستعد) شرکت می‌کنند، کسب می‌نمایند و از محیط کلاس رضایت بیشتری دارند. همچنین این تحقیق رابطه بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با رضایت تحصیلی دانش‌آموزان و همکاری معلم را نشان می‌دهد. یادگیری گروهی نقش محوری در برنامه درسی تجربه شده دارد.

یادگیری گروهی، دانش‌آموزان را به یادگیری علاقه‌مند می‌کند (Hanze & Berger, 2007). علاقه‌مند بودن و احساس علاقه‌مندی داشتن کمک می‌کند تا توانایی‌های شناختی و دانش فردی فراگیران افزایش پیدا کند. علایق فردی، مسئولیت یادگیری، تلاش، ارزش‌ها و توانایی درک اصول مهمی در بهبود یادگیری هستند (Ainley, 2002).

بین محتوای کتاب‌های درسی و زندگی واقعی دانش‌آموزان باید رابطه وجود داشته باشد. دانش‌آموزان، زمانی که درمی‌یابند برخی از بخش‌های محتوای کتاب‌های آنها به گونه‌ای است که نمی‌توانند از آنها در محیط زندگی واقعی استفاده نمایند، انگیزه‌ای برای یادگیری آنها نشان نمی‌دهند. همین عامل موجب می‌شود که دانش‌آموزان نه فقط به این بخش‌های غیرضروری توجهی نکنند، بلکه هیچ‌گونه یادگیری هم صورت نمی‌گیرد؛ چراکه یادگیری معنادار زمانی رخ می‌دهد که با تجربه همراه شود.

بحث و نتیجه‌گیری

برنامه درسی پوچ یکی از برنامه‌های درسی است که به صورت آگاهانه و ناآگاهانه صورت می‌گیرد و می‌تواند به سهم خود دارای پیامدهایی باشد که جامعه را دچار آسیب کند. به همین دلیل، هدف اصلی این مطالعه شناسایی و تحلیل عواملی است که برنامه درسی پوچ را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نتایج این مطالعه نشان داد که برنامه درسی پوچ در سه سطح رخ می‌دهد: ابتدا، بخشی

- ناتوانی معلمان در استفاده از فناوری آموزشی در کلاس‌های درس

- بی‌انگیزه بودن بعضی از معلمان (علی‌رغم داشتن توانایی) در استفاده از فناوری آموزشی؛ چراکه مسئولان توجه لازم به معلمان نمی‌کنند و سعی در رفع مشکلات و تلاش در برآورده کردن نیازهای اولیه آنها نمی‌کنند و معلمان بدون هیچ انگیزه‌ای وارد کلاس درس می‌شوند که این می‌تواند زنگ خطری برای نظام آموزشی کشور باشد.

برنامه درسی پوچ مبتنی بر دانش‌آموز، در این سطح از برنامه درسی پوچ، دانش‌آموزان خودشان برخی از بخش‌های کتاب‌های درسی را که مورد علاقه آنها نبوده و یا در آن زمینه استعداد لازم را ندارند، مورد توجه قرار نمی‌دهند؛ بنابراین، به طور خلاصه می‌توان عوامل زیر را برشمرد:

- قابل درک نبودن برخی از بخش‌های محتوای کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان

- عدم تمایل دانش‌آموز به یادگیری برخی از مطالب ارائه شده در کتاب‌های درسی

- فراتر بودن برخی از مطالب ارائه شده از سطح استعداد و توانایی دانش‌آموزان

- آماده نبودن دانش‌آموزان در دریافت برخی از مطالب ارائه شده از نظر روحی و روانی

- پذیرا نبودن معلمان به واسطه دانش‌آموزان

اثرات برنامه درسی پوچ مبتنی بر نظام حاکم بر جامعه و مدرسه مهم هستند. مطالعات مختلف نشان می‌دهد؛ در کشورهایی که سیستم آموزشی متمرکز است، بسیاری از معلمان تمایل دارند تا یک برنامه درسی را از طریق سیاست‌های از پیش تعریف شده اجرا نمایند و از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که از این سیاست‌ها پیروی کنند (Mehrmoammadi, 2004).

مطالب ارائه شده باید مطابق با توانایی‌ها، استعداد و علاقه دانش‌آموزان باشد. زایدنر و اشلی‌یر (Zeidner and

از محتوای کتاب‌های درسی توسط سیاست‌گذاران، نویسندگان کتاب‌های درسی یا سیاست‌گذاران، به دلایل متعدد حذف و یا اضافه می‌شوند. دوم اینکه بخش‌هایی از محتوای برنامه درسی در مدرسه توسط کادر آموزشی مورد کم‌توجهی یا حتی بی‌توجهی قرار می‌گیرند. در نهایت، بخش‌هایی از محتوای برنامه درسی به واسطه دانش‌آموزان که با زندگی واقعی آنها مرتبط نباشد، مورد توجه قرار نمی‌گیرند؛ بنابراین، می‌توان دریافت که برنامه درسی پوچ در آموزش و پرورش در سه سطح رخ می‌دهد: اول، در سطح کلان نظام حاکم بر جامعه، دوم در سطح مدرسه و سوم در سطح دانش‌آموز. لذا، نتایج این مطالعه حاکی از آن است که بخش‌هایی از محتوای کتاب‌های درسی به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه مورد غفلت واقع شده است که این می‌تواند پیامدهای منفی و غیرقابل جبرانی را در پی داشته باشد؛ بنابراین، آگاه شدن از اهمیت برنامه درسی پوچ در برنامه‌ریزی برای نظام آموزش و پرورش، مواد درسی و محتوای آن بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه به‌منظور توسعه و رشد روزافزون ملت‌ها و جوامع در حال رشد، این آگاهی حیاتی است. مطالعه پیرامون برنامه درسی پوچ نشان می‌دهد که بخش‌هایی از یک برنامه درسی به واسطه نظام، مسئولان و معلمان و دانش‌آموزان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. از آنجایی که همگان اذعان دارند که دانش‌آموزان مطالبی را که در کتاب‌های درسی به آنها اهمیت داده نمی‌شود، در محیط بیرون بدون ضابطه و بودن مدیریت صحیح و حتی غلط یاد می‌گیرند، در صورتی که با کار کارشناسی شده و با مدیریت و نظارت عالمانه می‌توان این‌گونه مطالب را در چارچوبی صحیح به دانش‌آموزان آموزش داد که جامعه از عواقب منفی آن در امان بماند. وقتی یقین پیدا می‌شود که سطح برخی از مطالب ارائه شده در کتاب‌های درسی درخور توانایی و درک دانش‌آموزان نیست و یا برخی از محتوای کتاب‌های درسی که مورد علاقه دانش‌آموزان نیست، چه ضرورتی وجود دارد که ارائه شوند. آیا نمی‌توان زمینه‌ای فراهم نمود تا دانش‌آموزان نسبت به این

بخش‌ها که ضروری هستند علاقه‌مند شوند؟ درحالی که در قالب فعالیت‌های فوق برنامه می‌توان در دانش‌آموزان انگیزه خوبی ایجاد نمود تا آنها به این‌گونه مطالب علاقه بیشتری نشان دهند. پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های درسی با توجه به اهداف برنامه درسی در عصر جهانی شدن به‌طور مرتب مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند و اثربخشی آنها مورد سنجش قرار گیرد؛ بنابراین، لازم است که جلسات هم‌اندیشی میان سیاست‌گذاران، نویسندگان و متصدیان تعلیم و تربیت به‌طور مستمر برقرار باشد و برنامه درسی که هدف اصلی آن انسان‌سازی است به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه آنهایی که بر دیگر کرات پا نهاده‌اند، برنامه‌های درسی خود را مورد توجه قرار داده‌اند. یکی از ضروریات در ممانعت از پوچ ماندن برخی از بخش‌های کتاب‌های درسی این است که تبادل نظر میان سه سطح مذکور به‌طور مرتب برقرار باشد. بر اساس نتایج این مطالعه که توجه به برنامه درسی یکی از ضروریات اساسی است، پیشنهاد می‌شود که سازمانی تحت عنوان آینده‌پژوهی در حوزه آموزش تشکیل گردد، به‌گونه‌ای که تمام سازمان‌های صاحب‌نظر (از قبیل حوزه علمیه، صداوسیما، دفتر تألیف کتاب‌های درسی و کمک‌درسی، داستان‌نویسی، سازمان سنجش، اتحادیه اسباب‌بازی و ...) و هر بخشی از جامعه که در آموزش و پرورش اثرگذارند باید نماینده‌ای در این سازمان داشته باشند تا با بهره‌گیری از مطالعات گروه‌های پژوهشی توانمند ضرورت‌های آموزشی در حال و آینده را روشن سازند و با هماهنگی‌های درست و حساب‌شده، برنامه‌ها را در یک راستا و با یک هدف از پیش تعیین شده پیش ببرند. به‌طوری‌که از وسایل اسباب‌بازی گرفته تا برنامه‌های رادیو و تلویزیون بر همان مبنا تولید و عرضه شوند تا از طریق هماهنگی‌های لازم اهداف ضروری تعلیم و تربیت محقق گردد. امید است که این مطالعه بتواند اندک نوری را در تاریکی برنامه‌های درسی پوچ ساطع کند.

- make a difference? Australian Association for Research in Education International Education Research Conference;
- Maleki, Hassan (2000);** "Designing of Curriculum" Tehran, Iran,
- Mansouri Gargar, Rahimeh; Salehi, Akbar; Salehi, Efat. (2016).** "Curriculum characteristics of in the era of globalizing and internationalizing of curriculum." Research in Curriculum Planning Vol 13. No 23. Autumn 2016, Pages 1-13.
- Matthews, Bobbie, Lietz, Petra and Ngurah, Gusti. (2007).** Values and learning approaches of students at an international university darmawan. Social Psychology of Education, Flinders University, Institute of International Education, Po Box 2100, Adelaide, SA 5001, Australia.
- Mehrmohammdi, Mahmoud. (2002).** Curriculum: theories, approaches and perspectives. Mashhad: Astan Qods Razavi publication.
- Oliva, P. (1997)** "*The curriculum: Theoretical dimensions*". New York: Longman.
- Portelli, John. (1987).** Perspectives and Imperatives on Defining Curriculum. Journal of curriculum and supervisin. Vol 2. no 4.
- Ryan K. (1993).** Mining the values in the curriculum. Character Education; 51(3): 16-18.
- Shariatmadari, Ali. (1990).** Society and education. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Sheikhzade, Mostafa (2013);** "*Intended, Implemented, and Experiential Null Curriculum*", Life Science Journal, 82-85.
- Short, E. C. (1982).** Curriculum Development and organization. Encyclopedia of educational research.
- Skubic Ermenck K. (2010).** Brief note of national developments on curriculum policies and practices. European Centre for the Development of Vocational Training.
- Stiglerw, J.W. and Stevenson, H.W. (1991).** How asian teachers polish each lesson to perfection. American educator, 15(1).
- Yeping, Li. (2003).** Knowing, understanding and exploring the content and formation of Curriculum materials: a Chinese approach to empower prospective elementary school teachers pedagogically. International Journal of Educational Research Volume 37, Issue 2, 2002, Pages 179- 193.
- Adib, Yousef; Fathi Azar, Eskandar; Karimi, Seyed Bahaeddin; Soltani, Akbar. (2016). Master perception Conseling Group of null curriculum At the University: Qualitative Study. Research in Curriculum Planning Vol 13. No 23. Autumn 2016.
- Ainley, M., Hidi, S. and Berndorff D. (2002). Interest A unique motivational. Interest, learning, and the psychological processes that mediate their relationship, Journal of Educational Psychology 94, pp.545-561.
- Cheong Cheng, Yin. (1994) Effectiveness of Curriculum Change in School. International Journal of Educational Management volume 8 number 3 1994 pp.26-34.
- Eisner E. W. (1985).** The educational imagination: on the design and evaluation of school programs. 2nd Ed. New York: Macmillan;
- Eisner, E. W. (1986).** Educational imagination on the design and evaluation of school programs. New York: Macmillan cocke publishing company.
- FACE (2011).** The Florida Autism Center of Excellence.
<http://www.faceprogram.org/academics.html>
- Fathi vajargah, korush. (2002).** Principles of Curriculum Development. Tehran: Earth Publication.
- Flinders, David, and Colleagues (2012);** "*The Null Curriculum: Its Theoretical Basis and Practical Implications*", 33-41
- Ghourchian, Nadergholi (2000);** "*Curriculum Dictionary*", Tehran, Iran.
- Ghourchian, Nadergholi (2008);** "*Curriculum in Educational System*", Tehran: Farashenakhti Publications.
- Hanze M, Berger R (2007).** Cooperative learning, motivational effects, and student characteristics An experimental study comparing cooperative learning and direct instruction in 12th grade physics classes. *Learning and Instruction*; 17(1):29-41.
- Krull, Edgar, Oras, Kaja and Sisask Sirje. (2006).** Differences in teachers, comments on classroom evens as indicators of their professional development. Teaching and Teacher Education, Article in Press.
- Lietz P, Tarabshkina L. (2009).** Achievement and learning approaches of sojourner students: Do gender and academic discipline

Wilson, L. O, (2014); “A dozen important concepts and teaching strategies....”,

Zeidner M, Schleyer EJ (1999). The effect of educational context on individual difference variables, selfperceptions of giftedness, and school attitudes in gifted adolescents. *J Youth Adoles* 1999; 28(6): 687-703.

Archive of SID